



یکی از شعارهای خیزش توده ای اخیر در ایران!

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران ، شماره ۷۹ - ۱۵ تیر ۱۳۸۸

آن که می گفت حرکت مرد در این وادی خاموش و سیاه. برود شرم کند!

سرکوب به خاک بنشانند، در شرایطی که رژیم حاکم با رژه شبانه روزی هزاران تن از مزدوران حیره خوار و سرکوبگر خویش در خیابانهای شهرها و روستاها تلاش می کرد هر گونه فکر به مبارزه انقلابی و ایجاد تغییر در زندگی کارگران و زحمتکشان و توده های محروم را نابود ساخته و توده ها را مرعوب و تسلیم اراده استعمارگران کند؛ و در شرایطی که فریبکاران و سازشکاران عاقبت طلب رنگارنگ با جاودان پنداشتن عمر ستم، ضمن تسلیم خویش به تبلیغات پوچ طبقه حاکم و هزاران صفحه تحریف تاریخ توسط آنان، در سرزنش مبارزه و مقاومت توده ها سیاه نویسی ها کردند و ناامیدی را تبلیغ و ماشین گفتمان سازی های ضد انقلابی حکومت را روغن کاری نمودند، جنبش جاری با نمایش قدرت خود همه کاسه کوزه های جلادان را در هم ریخت و اوج بوسیدگی و فساد این حکومت و کل سیستم حاکم را به نمایش گذارد؛ به این ترتیب در آخرین ماه بهار، از عطر پایداریها و شجاعت عزیزان جان باخته در این خیزش انقلابی نسیمی تازه بر سرزمین تحت سلطه ما وزید و خونی تازه در رگهای استعمارشدگان و محرومان جاری شد.

یاد تمامی توده های دلاور، جوانان، اسرا و بویژه زنان دلیری که در صف مقدم این مبارزه با فریاد "مرگ بر دیکتاتور"، "نترسید، نترسید، ماهمه باهم هستیم" و "ما زن و مرد جنگیم، جنگ تا بجنگیم" قدر قدرتی استبداد حاکم را به سخره گرفتند و در مقابل مزدوران و بسیجیان شب پرست سینه افراشته و حتی جان خود را نثار آزادی و رهایی مردم ما از سلطه جنایتکاران حاکم کردند را گرامی می داریم و پیام بهاری آنان را پژواک می دهیم که با برافراشتن پرچم آزادی فریاد زدند هر آنکه باد بکارد طوفان درو خواهد کرد!

در هفته های اخیر خروش سهمگین امواج دریای خشم توده ها سیلی محکم دیگری بر چهره سیاه دیکتاتوری حاکم نواخت. طغیان خشم میلیونها تن از توده های ستمدیده و در زنجیری که داغ ظلم و ستم ناشی از ۳۰ سال حاکمیت جبارانه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را بر کرده می کشند، در اعتراض به صندوقهای از پیش پر شده برای انتصابات حکومتی، رعشه بر اندام ستمکاران جنایتکار انداخت و فریادهای "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر این دولت مردم فریب"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر رهبر"، "می کشم، می کشم آن که برادرم کشت" و بالاخره "وای بروزی که مسلح شویم" آنها زمین را در زیر پای استعمارگران حاکم لرزاند.

غداره بنان حاکم که می کوشیدند با نمایش فریبکارانه حضور وسیع توده ها در پای صندوقهای از پیش پر شده خود، خود را رژیمی دمکراتیک و صاحب پایگاه توده ای جلوه دهند، در مواجهه با ابعاد انزجار مردم از نظام حاکم، بسیار سریع نمایش فریبکارانه "دمکراسی" شان را نیمه کاره رها ساخته و با گشودن آتش بر روی تظاهر کنندگان و به خاک و خون غلطاندن صد ها تن از جوانان و نوجوانان معترض و به پا خاسته نمایش انتخاباتی خود را در عرض چند روز تکمیل کرده و ماهیت ضد خلقی خود را به عیان ترین وجهی در معرض دید افکار عمومی قرار دادند.

سران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پنداشتند که با کشتار توده های به پا خاسته از یکسو و با تلاش برای مهار زدن به آتش خشم مردم بجان آمده توسط به میدان فرستادن جلادان و فریبکارانی همچون موسوی و کروبی (دژخیمان و قاتلین یک نسل از بهترین فرزندان مردم ایران در دهه ۶۰) در لباس "اصلاح طلب" و "جنبش سبز" از سوی دیگر، خواهند توانست این بار نیز صدای حق خواهانه کارگران و توده های ستمدیده را بسرعت در گلو خفه کرده و "آشوب" و "فتنه" استعمارشدگان بر علیه صاحبان زر و زور را بخواهاند. اما زهی خیال باطل! چرا که جنبشی که با مارش میلیونی خود شعله کشید، با خون صد ها شهید و هزاران مجروح و ناپدید شده و اسیر، و با فریاد خشم و نفرت توده های تحت ستمی که خواهان از بنیاد برافکندن کلیت نظام استعمارگر حاکم هستند بسرعت "سرخ" شد و این "موج" در تداوم خود نشان داد که برغم تمام تشبیهات دشمن و مرتجعین به آسانی "سر بازگشت" ندارد.

امروز تا همین جا نیز توده های زحمتکش و به پا خاسته به دشمن زبون و خونخوار نشان داده اند که تاریخ را به جلو برده اند و خیزش آنها هر سرنوشتی که پیدا کند اما تاریخ را نمی توان به عقب بازگرداند. در شرایطی که دشمن در طول سالها می کوشید با سردادن بانگ قدر قدرتی خویش، هر گونه جوانه های امید را با داس

برخی از حرکات اعتراضی فعالین چریکهای فدایی خلق در حمایت از خیزش توده ای اخیر!

خیزش میلیونی توده های بجان آمده از مظالم رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، که بلافاصله پس از پایان نمایشات انتخابات تقلبی جمهوری اسلامی آغاز شد و ارکان حکومت را به لرزه درآورد، بطور طبیعی موج گسترده ای از مبارزات ایرانیان خارج کشور را در حمایت از این خیزش توده ای و بر علیه سرکوبگریهای وحشیانه جمهوری اسلامی دامن زد. بطوریکه در طول این مدت تقریباً روزی نبوده است که ایرانیان مبارز خارج از کشور که با بیم و امید جنبش توده ای مردم به پا خاسته بر علیه نظام استعمارگرانه حاکم را دنبال می کنند، حرکتی را در حمایت از توده های مبارز سازمان ندهند و به افشای چهره کثیف و ضد خلقی حکومت در افکار عمومی کشورهای مختلف نپردازند. مطلبی را که در زیر مشاهده می کنید منعکس کننده تعدادی از این حرکات افشاگرانه و اعتراضاتی ست که فعالین چریکهای فدایی خلق در خارج از کشور یا مستقلاً و یا در همکاری با سایر نیروهای انقلابی در حمایت از مبارزات مردم ایران بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی سازمان داده اند. مطالعه این مطلب نه تنها تصویر هر چند کوچک و واقعی ای از فضای نیروهای سیاسی در خارج کشور و بخشی از حرکات اعتراضی بر علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را در اختیار خواننده قرار می دهد بلکه خواننده را در جریان برخی از تفکرات و مواضع نادرست رایج در بین نیروهای سیاسی خارج کشور قرار می دهد که با توجهات نادرست مختلف در صدد جلوگیری از رادیکالیزه شدن جنبش و افتادن آن در مسیری هستنند که باید نهایتاً به سرنگونی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و نظام استعمارگرانه حاکم به مثابه دشمن اصلی مردم به پا خاسته ما منجر گردد. در صفحه ۲



• کانادا: روز ۲۲ خرداد برابر با ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹ روز نمایش مسخره و شعبده بازی رژیم جمهوری اسلامی تحت عنوان انتخابات ریاست جمهوری بود. به همین دلیل سفارت جمهوری اسلامی در اتاوا مرکز این مارگیری انتخاباتی شده بود. حوالی ساعت ۱۰ تعدادی از فعالین سازمانهای سیاسی و مخالفین رژیم با پلاکاردها و بنرهای خود در جلوی لانه جاسوسی جمهوری اسلامی دست به یک تجمع اعتراضی زدند. فعالین چریکهای فدائی خلق در کانادا یکی از این نیروها بودند که با بنرها و پلاکاردهای حاوی عکسهایی از جنایات رژیم و سر دادن شعارهای انقلابی به افشا و محکوم کردن دغل کاری جمهوری اسلامی پرداختند. حضور مزدوران جمهوری اسلامی با لباس شخصی در جلوی در سفارت کاملاً محسوس بود و چند نفر از آنها نیز قصد حمله به معترضین را داشتند که توسط پلیس جلوی آنها گرفته شد و آفر از آنها نیز دستگیر شدند. خانواده های مزدوران رژیم (کارکنان سفارت و زنان و دختران آنها که برخی بدون حجاب بودند) نیز جلوی سفارت تجمع کرده و از دیدن اعتراض کنندگان خیلی خشمگین شده بودند و به آنها فحشهای رکیک می دادند و چندین بار قصد حمله به معترضین را داشتند. این نمایش انتخاباتی بار دیگر ثابت کرد که حتی تحقق ابتدایی ترین خواسته های مردم میهنمان تنها و تنها با سرنگونی کامل این رژیم جنایتکار امکان پذیر است.

• انگلستان: در همین تاریخ یعنی (۱۲ ژوئن) همزمان با رای گیری مضحکه انتخابات دور دهم ریاست جمهوری در ایران فعالین چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان دمکراتیک ضد امپریالیستی ایرانیان در انگلستان با انتشار فراخوانی در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی دست به یک تجمع اعتراضی زده و به افشای شعبده بازی انتخاباتی رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی پرداختند. اولین نکته ای که در این حرکت جلب نظر می کرد صف طولانی شرکت کنندگان در این بالماسکه انتخاباتی بود که نشان می داد دستگاه تبلیغاتی رژیم متأسفانه توانسته است نظر تعداد قابل توجهی از ایرانیان مقیم لندن را به شرکت در این بازی کسالت آور جلب نماید. یک دسته از رای دهندگان را کسانی تشکیل می دادند که مرتب به ایران سفر می کنند و به وجود مهر انتخاباتی در شناسنامه شان نیاز دارند، در این میان حضور دانشجویان بورسیه ای که مخارج تحصیلشان عمدتاً بوسیله دولت تامین می شود نیز چشمگیر بود که خود نشان می داد که رژیم چگونه از این امر در خارج از کشور به نفع پیشبرد سیاستهای خود سود می جوید. نکته بعدی فعالیت نیروهای اطلاعاتی رژیم در صفوف رای دهندگان و تحریک آنها به مقابله با معترضین بود. در حالیکه اکثر کسانی که به هر دلیل تصمیم گرفته بودند در انتصابات ۲۲ خرداد شرکت کنند در مقابل افشاگری های معترضین ساکت بودند اما در چند نوبت و برای لحظاتی تعدادی از جوانان رای دهنده با فریاد "بی وطن" به مقابله با شعارهای معترضین پرداخته و نشان می دادند که بازچه دساتن نیروهای اطلاعاتی موجود در محل شده اند. برخی از این افراد پس از خروج از کنسولگری انگشت رنگی شده خود را به عنوان "افتخار" از شرکت در این نمایش مسخره به معترضین نشان می دادند. در جریان اعتراض به نمایش مسخره انتخاباتی دیکتاتوری حاکم بر ایران که ضمن سرکوب وحشیانه همه آزادیهای اجتماعی در سطح جامعه با توسل به چنین نمایشاتی می کوشد خود را دمکرات جلوه داده و چهره جنایتکار خود را بزرگ کند یکی از معترضین اقدام به پرتاب بسته بزرگی رنگ به سر در کنسولگری نمود که بوسیله پلیس دستگیر شد. بر اثر این اقدام اعتراضی محوطه و لباس برخی از کارکنان سفارت آغشته به رنگ شدند که تا پایان این حرکت نیز آثار رنگ بر لباس آنها مشهود بود. نکته دیگری که در این حرکت جلب نظر می کرد برخورد پلیس انگلستان با معترضین بود. آنها در حالی که از هر گونه تماس بین معترضین و رای دهندگان جلوگیری می کردند، کیفها و ساکهای همه کسانی که می خواستند به صف اعتراض کنندگان بپیوندند را می گشتند و در مواردی مشخصات افراد را یادداشت می کردند و به این وسیله نشان می دادند که در حمایتشان از رژیم سرپایا جنایت جمهوری اسلامی چقدر پیگیری می باشند. همان طور که گزارشگر "بی بی سی" در حالیکه لحظه به لحظه جریان رای گیری را منعکس می کرد و با شرکت کنندگان مصاحبه می نمود اما تمایلی به مصاحبه با معترضین و انعکاس درست دلائل اعتراض آنها وهویت سیاسی نیروهای شرکت کننده در اعتراض نشان نداد.

• کانادا: در روز یکشنبه ۱۴ ژوئن (۲۴ خرداد) و بدنبال انفجار خشم توده های تحت ستم از ۳۰ سال ظلم و سرکوب و جنایت جمهوری اسلامی در ایران، بسیاری از ایرانیان آزادیخواه ساکن تورنتو (که قلبشان از دیدن عکس ها و فیلم های اعتراضات وسیع توده های مبارز در داخل کشور جریحه دار شده بود) وقتی شنیدند که تظاهراتی در میدان "مل لستمن" (برای حمایت از مبارزات مردم ستمدیده کشورمان) برگزار شده، به آن محل شتافتند. حدود نیمی از جمعیت بدون حمل هیچ پرچم و نشانی به تظاهرات آمده بودند، اما تعداد زیادی پرچم سبز و پرچم ایران با آرم شیر و خورشید هم در میان جمعیت به چشم میخورد. گروه های چپ (منجمله فعالین چریکهای فدایی خلق ایران) در این تظاهرات شرکت فعال داشتند. آنها با توجه به تلاشی که برای تحمیل موسوی به عنوان رهبر مردم (درست مانند توطئه امپریالیستها در تحمیل کردن خمینی به مردم و شکست دادن انقلاب ۵۷) در جریان بود با استناد به جنایات موسوی در دوران نخست وزیری اش (و نقش مستقیم او در کشتار جوانان مبارز دهه ۶۰) افشاگری میکردند و توطئه جناح اصلاح طلب رژیم (و امپریالیست ها) را برای تحمیل موسوی افشا می کردند. این نوع سخنرانی های آگاهی دهنده کمیونیستها اعصاب برگزارکنندگان تظاهرات (که بعد معلوم شد از اصلاح طلبان و توده ای/اکثریتی های تورنتو می باشند) را درب و داغان و آنها را شدیداً خشمگین کرده بود. گروه های چپ در دفاع از مبارزات مردم و در محکومیت سرکوب توده ها توسط جمهور اسلامی، شعارهای انقلابی میدادند و همراه با هموطنان آگاه و مبارزی که با آنها همصدا شده بودند، به این تظاهرات شور و شوق مبارزاتی خیابانهای به آتش و خون کشیده شده ایران را داده بودند. چپ ها عکسهای جنایات رژیم را به عابرین نشان میدادند و جنایات رژیم را افشاء میکردند، مردم دور آنها جمع شده و به صحبتهایشان گوش می دادند.

در این هنگام و با به اهتزاز در آمدن پرچم جمهوری اسلامی یکی از فعالین چریکهای فدایی خلق با چنان خشم و نفرت شدیدی به پرچم الله اکبر برگزارکنندگان اعتراض کرد، که صدایش از صدا سخنانی که پشت بلند گو بود فراتر رفت و توجه همه خبرنگاران به او جلب شد. او فریاد میزد: "اگر واقعاً برای دفاع از مردم مبارز ایران جمع شده اید، حداقل خجالت بکشید و آن پرچم

جنایتکاران را بردارید. پرچم جمهوری اسلامی نماد ۳۰ سال جنایت، نماد ۳۰ سال زندان و شکنجه و اعدام مبارزین، نماد ۳۰ سال فقر و بدبختی و اعتیاد و رنج و محنت برای طبقات محروم جامعه، نماد ۳۰ سال تجاوز به حقوق و آزادیهای مردم ما است. این پرچم را بردارید! خجالت بکشید!..." مردم یکی یکی با او همصدا میشدند و میگفتند "راست میگه، پرچم جمهوری اسلامی را بردارید!" برگزارکنندگان مراسم همینکه دیدند که ماهیتشان دارد توسط کمیونیستها مبارز در نزد مردم افشاء می شود، دست و پایشان را گم کردند. پرچم الله و اکبرشان را هول هولکی جمع کردند اما بیکار ننشستند و پلیس را به جان کمیونیستها انداختند. برگزارکنندگان مراسم که با فریاد شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" در مراسم مخالف بودند با انداختن پلیس به جان کمیونیستهای که این شعار را سر داده بودند مفهوم "آزادی به سبک موسوی" را به همگان نشان دادند. همانطور که صدای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "وای به روزی که مسلح شویم" و دیگر شعارهای مردم ما در ایران (که نشاندهنده خشم انقلابی آنها علیه کلیت رژیم است) در هیچ رسانه رسمی منتشر نمی شود، صدای کمیونیستهای مبارز نیز (که انعکاس دهنده صدای طبقه کارگر و دیگر محرومین جامعه هستند) در کشورهای امپریالیستی انعکاس وسیعی نمی یابد. تجربه این حرکات و برخورد جانبدارانه و خشم آلود رسانه های باصطلاح مدافع آزادی بیان و دمکراسی با حرکات رادیکال مبارزاتی نشان داد که مردم ستمدیده ما در ایران برخلاف موسوی و طرفدارانش، نه بلندگویی دارند و نه دولتها و رسانه های غربی صدایشان را منعکس می کنند. در نتیجه این وظیفه انسانهای آزادیخواه است که صدای محرومان جامعه تحت ستم جمهوری اسلامی را با توانی هرچه بیشتر در سراسر جهان فریاد بزنند.

• انگلستان: روز پنج شنبه ۱۸ژوئن ۲۰۰۹ (۲۸خرداد)از ساعت ۱۲ تا ۲ بعد از ظهر تظاهرات ایستاده ای در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن در حمایت از خیزش بزرگ اعتراضی مردم ایران و اعتراض به کشتارهای ددمنشانه جمهوری اسلامی در روز های اخیر برگزار شد. فعالین چریکهای فدایی خلق از زمره سازماندهندگان این تظاهرات بودند. نزدیک به صد نفر از ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی در این حرکت اعتراضی شرکت داشتند که با سر دادن شعارهایی چون "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد"، "مرگ بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی"، "مرگ بر دیکتاتور" خشم و نفرت خود از رژیم دارو شکنجه حاکم بر ایران را به نمایش گذاشتند. در پایان تظاهرات خبر رسید که حامیان احمدی نژاد رئیس جمهور جنایتکار جمهوری اسلامی در اعتراض به خبر رسانی بی بی سی - که اتفاقاً کاملاً در جهت منافع کل نظام حاکم می باشد - دست به یک تجمع اعتراضی در مقابل یکی از دفاتر این بنگاه خبر رسانی زده اند به همین دلیل هم تعدادی از شرکت کنندگان در تظاهرات به این محل رفته و با شعار های کوبنده به افشای احمدی نژاد و انگیزه حامیان جیره خواری پرداختند. این حرکت موفقیت آمیز پایان بخش حرکت پر شور ۱۸ ژوئن در مقابل سفارت کردید.

• انگلستان: روز شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۸ (۲۰ جون ۲۰۰۹) با فراخوان فعالین چریکهای فدایی خلق و



برخی دیگر از نیروهای سیاسی تجمع اعتراضی بزرگی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن برگزار شد. این تظاهرات ایستاده در شرایطی شکل گرفت که مردم جان به لب رسیده ایران بدون توجه به تهدیدهای رهبر جنایتکار جمهوری اسلامی (که وقیحانه مردم مبارز و معترض ایران را خرابکار و آشوبگر نامیده و آنها را تهدید به سرکوب هر گونه حرکت اعتراضی توسط مزدوران این رژیم کرده بود) و بی اعتناء به موسوی و غیره خود بر اساس تصمیم تظاهرات قبلیشان به خیابان ها ریختند. در جریان حرکت اعتراضی لندن، تظاهرکنندگان با سر دادن شعار های مختلف خشم و نفرت خود را از سرکوب مبارزات مردم به نمایش گذاشتند و از خیزش بزرگ مردم رنجیده ایران پشتیبانی نمودند. نکته اساسی این حرکت عبارت از این بود که تظاهر کنندگان در تقابل با تلاش جناح های درونی رژیم جهت کانالیزه کردن اعتراضات مردم در جهت حفظ کلیت نظام ظالمانه موجود، شعار محوری "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد" را سر می دادند. پس از پایان تظاهرات که از ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر ادامه داشت، به تدریج کسانی که پرچم سبز حمل می کردند به محل آمدند تا تظاهراتی را که از قبل تدارک دیده بودند برگزار کنند. این عده در همان آغاز خواهان آن شدند تا کسانی که تصاویری از جنایات اخیر جمهوری اسلامی به دیوار زده بودند، این تصاویر را جمع کنند. سازماندهنده گان این سبزه ها که بخشاً اکثریتی های خائن بودند در حالی که به این ترتیب نشان می دادند که با چه وقاحتی از موجودیت رژیم دارو شکنجه جمهوری اسلامی دفاع می کنند با این برخورد زورگویانه خود قصد ایجاد تنش بین افراد حاضر در محل را داشتند. این امر در عین حال درجه اعتقاد آنها به دموکراسی را هم بیان نموده و نشان می داد که شعار "آزادی اندیشه با شال سبز نمی شه" که تظاهر کنندگان در این تظاهرات سر دادند چقدر با واقعیت انطباق دارد. در جریان این تظاهرات اخبار مربوط به درگیریهای مردم با نیروهای سرکوب و همچنین تاریخ تظاهرات گان بعدی به اطلاع عموم رسید.

• **انگلستان:** در ادامه حرکات اعتراضی ایرانیان مقیم خارج کشور که در حمایت از خواسته های عادلانه توده های به پا خاسته بر علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی برگزار شده است، روز شنبه ۲۷ جون ۲۰۰۹ تظاهرات بزرگ دیگری در مقابل سفارتخانه رژیم در لندن صورت گرفت که تعداد بسیار زیادی از ایرانیان در آن شرکت کردند. تظاهر کنندگان با سردادن شعارهایی به زبان انگلیسی و فارسی به افشاگری بر علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پرداخته و کشتار و ضرب و شتم وحشیانه توده های بجان آمده توسط دیکتاتوری حاکم بر ایران را محکوم کردند. حرکت تظاهر کنندگان با استقبال و حمایت چشمگیر عابرن و رهگذاران منطقه روبرو شد که با به صدا درآوردن بوق اتومبیلهای خود از اعتراضات ایرانیان پشتیبانی می کردند. در این حرکت شعارهایی همچون **"مرگ بر جمهوری اسلامی"**، **"جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد"**، **"زندانی سیاسی به همت توده ها آزاد باید گردد"**، **"جمهوری اسلامی، رژیم ارتجاعی مرگت فرا رسیده"**، **"قتل عام مردم باید متوقف شود"**، **"نه سازش نه تسلیم، نبرد تا پیروزی"**

تظاهرات فوق بطور همزمان و با صدور فراخوانهای جداگانه از سوی نیروهای سیاسی مختلف سازمان یافته بود. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان دمکراتیک - ضد امپریالیستی ایرانیان در انگلستان با انتشار فراخوان مشترکی از سازماندهندگان این تظاهرات بودند؛ که گروهی از رفقای چپ ترکیه در همبستگی با این فراخوان و در حمایت از جنبش توده های تحت ستم بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در این تظاهرات شرکت کرده و پشتیبانی خود از مبارزات انقلابی کارگران و خلقهای تحت ستم ایران را ابراز کردند.

• **استرالیا:** در استرالیا نیز روز جمعه سوم جولای (۱۲ تیر ۸۸) در اعتراض به سرکوب های خونین مردم آزادیخواه ایران توسط نیروهای مسلح رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و برای اعلام همبستگی با مبارزات اخیر توده ها، تجمعی اعتراضی در مقابل پارلمان ایالت نیو ساوت ولز در سیدنی بر علیه جمهوری اسلامی ایران برگزار گردید. این حرکت به فراخوان کمیته همبستگی با مردم ایران صورت گرفته بود. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در سیدنی نیز با حمل پلاکاردهائی از جمله پلاکاردی که روی آن شعار **"جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد"** نوشته شده بود، در این محل حضور یافته و به تشریح و توضیح مواضع سازمان و افشاء چهره کریه دیکتاتوری حاکم و جنایات اخیر رژیم بر علیه مردم تحت سلطه ایران پرداختند. سردادن شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته" در میان جمعیت مذکور از طرف فعالین چریکهای فدائی خلق، در شرایطی که کمیته مذکور از بیان این شعار توده های مبارز ایران اجتناب میکردند، با استقبال و خوشحالی برخی از شرکت کنندگان مواجه شد. اما طنین این شعار در فضای مراسم، هر چقدر باعث خوشحالی جوانان فوق الذکر شد به همان اندازه نیز خشم خود فروخته گان راست را برانگیخت. پس از چندین بار تکرار این شعار بود که یکی از جوانان برومند و دلاور در یک اقدام سریع در حالی که پشت سر ردیفی از دوستان خود و درست جلو آرم چریکهای فدایی خلق ایران، ایستاد، با تمامی توان خود یکی دیگر از شعارهای رادیکال تظاهرات مردم در خرداد ماه را فریاد زد: **"وای به روزی که مسلح شویم"**. در مرتبه اول با این که این شعار فقط توسط دوستان خودش تکرار شد، اما در دومین فریاد او، همراهی قدرتمند رفقای فعال در سیدنی با این جوان آکنده از خشم و کین نسبت به جنایات فحیح جمهوری اسلامی در حق مردم مبارز ایران، باعث جا افتادن این شعار و تکرار آن از طرف بخشی از شرکت کنندگان گشت. در این حرکت همچنین شعار های دیگری از جمله: **مرگ بر دیکتاتور، موسوی بهانه است خامنه ای نشانه است، ایرانی با غیرت حمایت، و ...** سر داده شد.

• **انگلستان:** و بالاخره روز یکشنبه ۵ جولای ۲۰۰۹ تظاهرات دیگری در مقابل سفارت خانه دیکتاتوری حاکم بر ایران در لندن برگزار شد. در این تظاهرات نیروهای چپ متشکل از برخی سازمانها، نیروها و کمیته های دمکراتیک و افراد مستقل شرکت داشتند که بدون وقفه با سردادن شعارهای رزمنده بر علیه کلیت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به زبانهای انگلیسی و فارسی به افشای جمهوری اسلامی پرداخته و کشتار مردم بیدفاع را محکوم نمودند. فعالین چریکهای فدایی خلق در لندن با بنر ها و پلاکاردهای خود در این تظاهرات شرکت داشتند.

نکته ای که در حاشیه این تظاهرات قابل توجه بود عبارت از آن بود که در اواخر تظاهرات، از سوی یکی از مسئولین جریان "حزب کمونیست کارگری" و همچنین فرد دیگری اعتراضاتی نسبت به سردادن شعار "مرگ بر موسوی" صورت گرفت که از جمله در شعار "مرگ بر خامنه ای، مرگ بر موسوی، مرگ بر جمهوری اسلامی" گنجانده شده بود؛ استدلال آنها این بود که "موسوی در قدرت نیست" و نباید بر علیه او شعار داد! این "اعتراض" در شرایطی صورت می پذیرد که همه می دانند موسوی فریبکار کسی ست که نه تنها در یکی از سیاه ترین دورانهای سلطه جمهوری اسلامی ۸ سال نخست وزیر نظام به قول خودش "مقدس جمهوری اسلامی" بوده بلکه از همان آغاز تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت نظام" به عنوان یکی از نهاد های قدرتمند جمهوری اسلامی، در آن عضویت داشته و به واقع یکی از چهره های قدرتمند نظام ظالمانه حاکم می باشد. این مهره خدمتگزار و وفادار به نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی، کسی است که در جریان قتل عام دهه شصت دستانش تا مرفق به خون هزاران تن از کمونیستها و مبارزین و فرزندان برومند کشور ما آغشته است و همه تلاش اش در این سالها تحکیم پایه های سلطه ضد مردمی جمهوری اسلامی می باشد. موسوی در شرایطی در ارتباط با خیزش توده های بجان آمده سعی کرد خود را قاطی این جنبش نماید که می خواست اعتراضات توده های تحت ستم برای رسیدن به آزادی و دمکراسی را کنترل نموده و با فریب بخشی از مردم انرژی اعتراضی آنها را در چهارچوب اختلافات جناح های درونی طبقه حاکمه به هرز دهد. بنابراین وظیفه نیروهای انقلابی جهت دور کردن مردم از چنین سیاستهای فریبکارانه ای، افشای چهره وی و سیاستهای ضد مردمی دارو دسته اش می باشد. برآستی بدون افشای چهره واقعی وی چگونه می توان انتظار داشت که توهم مردم فریب خورده نسبت به وی در هم بشکند! در ضمن همه می دانند که او کسی ست که رسماً از چماقداران و نیروهای خود در خارج کشور خواسته که صف خود را از صف مخالفین نظام (یعنی توده های انقلابی و نیروهای مبارز) جدا سازند و آنها هر کجا که توانسته اند با زور و یا مراجعه به پلیس بر علیه هر کس که از حقانیت مبارزات مردم بر علیه جمهوری اسلامی سخن گفته، اقدام کرده اند. به این ترتیب نیروها و افراد نامبرده با اعتراض به شعار مرگ بر موسوی، نشان می دهند که حتی از توده های آگاه اما تحت ستم و بجان آمده ما که برغم دیکتاتوری وحشتناک حاکم بر جامعه تحت سلطه ما با تمام وجود از تمامیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و تمامی دار و دسته های فریبکار آن از "اصلاح طلب" گرفته تا "اصولگرا" و ... نفرت دارند و این نفرت را از هر راه ممکن نشان می دهند، فرسنگها عقب ترند. آنها برغم گذاشتن نام "پیشرو" و "آگاه" بر خود بجای تلاش برای زدودن تبلیغات ریاکارانه موسوی و دارو دسته او را خورده اند، خود با عدم افشای موسوی جلد و فریبکاریهای دار و دسته او، این فقدان آگاهی را تبلیغ کرده و برای آن لافاه های توریک نیز می تراشند. امری که کوچکترین قرابتی با پاسخگوئی به وظایف انقلابی در این شرایط نداشته و به توهم پراکنی نیروهای مرتجع نسبت به موسوی کمک می کند.



گزارش: لانه جاسوسی جمهوری اسلامی در استکهلم در معرض خشم آنان که خواهان سرنگونی کلیت این رژیم می‌باشند!

ماشینهای کمکی پلیس (شاید حدود ۷۰ پلیس با سگ) به محل رسیدند. خبر یورش و درگیری پخش شده بود و لحظه به لحظه به تعداد ایرانیان حاضر، افراد کنجکاو و خبرنگاران اضافه می‌شد.

بار دیگر همه در خارج از محوطه لانه جاسوسی بودیم اما اعتراضات به پایان نرسیده بود. یکی از رفقای مجروح را برای درمان به سوی شهر روانه کردیم. شنیدیم که می‌خواهند مزدور مجروحی را با ماشین از لانه جاسوسی بیرون ببرند، از اینرو همه بر زمین بیرون در ورودی نشستیم و راه را بستیم. رفیقی که در خلال ۳۰ سال حکومت ننگین جمهوری اسلامی بسیاری از عزیزان خود را از دست داده بود به شدت متقلب شده بود؛ اشک می‌ریخت و فریاد می‌زد. رفیق دیگری از برادرش می‌گفت که به دست دژخیمان رژیم از پای افتاده بود. بسیاری از افراد حاضر از زندانیان سابق یکی از دو رژیم سلطنتی پهلوی یا جمهوری اسلامی و یا هر دوی آنان بودند. رفیقی به شوخی می‌گفت که "بالاخره پس از ۳۰ سال رفتم ایران، اونهم بدون گذرنامه!" رفقای شروع به سخنرانی و دادن توضیحات به فارسی و سوئدی کردند. مادری از آنچه جمهوری اسلامی بر سر او و خانواده‌اش آورده بود می‌گفت و فریاد می‌زد که چگونه جمهوری اسلامی زندان، شکنجه و مرگ را به خانواده او تحمیل کرده و از جمله ۴ فرزند و ۴ برادر او را کشته بودند. شعارها پشت سر هم تکرار می‌شد و جمعیت هر لحظه آشتی‌ناپذیری خود را با کلیت رژیم تکرار می‌کردیم.

ساعت از ۷ گذشته بود اما هنوز افراد تازه‌ای خود را به محل می‌رساندند. چند نفر هم که حدس زده می‌شد پلیس مخفی بودند مشغول عکس گرفتن و فیلمبرداری بودند. در خلال این مدت پلیس دو نفر از معترضین را دستگیر کرده و با خود برای بازجویی برد. ساعتی دیگر در آنجا بودیم و سپس تصمیم گرفتیم که آنجا را ترک کنیم. در اتوبوس شروع به خواندن سرود کردیم. نوای سرودهایی چون "بهاران خجسته باد"، "سر اومد زمستون" و "ای جوانان، رفقا، قهرمانان" که در اتوبوس طنین‌انداز شده بود، نشانگر خواست تکتک ما برای ادامه مبارزات آشتی‌ناپذیر تا سرنگونی کلیت نظام جمهوری اسلامی و سلطه اربابان امپریالیست آن بود. ساعت یک ربع به ۱۰ بود که به خانه رسیده و انعکاس حرکت روز را در رسانه‌ها دیدم. به این ترتیب بار دیگر حرکتی دیگر علیه تمامیت جمهوری اسلامی پایان یافت اما مبارزه برای سرنگونی این رژیم وابسته به سرمایه‌داری جهانی هم در آنجا، هم در اینجا و هم در بسیاری دیگر از نقاط جهان ادامه دارد.

پیروز باد مبارزات آزادیبخش توده‌های تحت ستم!
سرنگون باد جمهوری اسلامی، سگ زنجیری سرمایه‌داری جهانی!
درود بر آنان که علیه رژیم جمهوری اسلامی می‌رزمند!
برقرار باد سوسیالیسم!

روز جمعه ۵ تیر ماه حدود ساعت یک‌ونیم بعد از ظهر خانه را به قصد پیوستن به رفقای که قرار بود در مقابل لانه جاسوسی این رژیم گرد آیند، ترک کردم. این حرکت در اعتراض به آنچه این رژیم ضدخلقی وابسته به امپریالیسم در خلال بیش از ۳۰ سال عمر ننگین خود به سر توده‌های تحت‌تتم ما آورده و می‌آورد سازمان یافته بود. فراخوان این حرکت اعتراضی نخستین بار در ۲۲ ماه مه از جانب "کمیته برای آزادی کارگران دستگیر شده اول ماه مه در ایران- استکهلم" منتشر شده بود. قرار بود که در راستای فراخوانی از سوی ۴ اتحادیه جهانی کارگری در مقابل لانه جاسوسی جمع شده و ضمن دفاع از حق و حقوق پایمال شده کارگران ایران، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران و فعالین کارگری از جمله دستگیرشدگان اول ماه امسال گردیم. پس از رویدادهای اخیر و آنچه که رژیم جمهوری اسلامی و مزدورانش در رخدادهای پس از خیمه‌شب‌بازی انتصابات بر سر توده‌های مبارز ما آورده‌اند این فراخوان نیز مطابق با شرایط جاری تغییر یافته و این بار با افزودن جمله‌ای در ارتباط با آنچه در این اواخر روی داده است از جانب "ستاد همبستگی با مبارزات مردم در ایران - استکهلم" دعوت به تجمع شده بود. در این فراخوان از جمله آمده بود: "در این تظاهرات ضمن حمایت از خواسته‌های بر حق کارگران در دفاع از حق و حقوق خود در مقابل رژیم، خواستار آزادی بدون قید و شرط دستگیرشدگان اول ماه مه و کلیه زندانیان سیاسی شده و همراه با مبارزات مردم ایران فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی و دفاع از آزادی مردم ایران را سر خواهیم داد." ساعتی بعد به ایستگاه اتوبوسی رسیدیم که قرار بود به همراه چند تن از رفقا از آنجا سوار اتوبوسی به مقصد محوطه لانه جاسوسی جمهوری اسلامی در استکهلم شویم. حدود ۵۰ نفر در آنجا بودند. حدود یک ربع بعد به ایستگاه نزدیک لانه جاسوسی رسیدیم. حدود ۱۰۰ نفر پیش از ما خود را به آنجا رسانده بودند. هر لحظه به تعداد ما اضافه می‌شد. زن و مرد، سالخورده، میانسال و نوجوان همه در کنار هم شعارهایی رادیکال علیه تمامیت جمهوری اسلامی سر داده و علیه جنایاتی که این رژیم ضدخلقی در خلال بیش از ۳۰ سال مرتکب شده است اعتراض می‌کردند.

ما در مضحکه انتصابات شرکت نکرده بودیم و از اینرو به آنجا نرفته بودیم که "رای خود را پس بگیریم"؛ در آنجا بودیم تا گام کوچکی در راه رهایی توده‌های تحت‌تتم برداریم؛ تا بتوانیم میهنمان را که به تاراج برده‌اند پس بگیریم. جالب اینجا بود که چند سوئدی هم در کنار ما بودند تا به ما در راهی که برگزیده بودیم یاری رسانند. در میان معترضین چند نفر خود را با عصا و صندلی چرخدار به محل تظاهرات رسانده بودند تا در کنار دیگران فریاد توده‌ها را سر دهند. در کنار حصار سیمی و آهنی حیاط لانه جاسوسی بودیم. چند تایی از کارمندان لانه جاسوسی از ساختمان‌ها به حیاط آمده و در آنجا قدم زده و به اشکال گوناگون تظاهرکنندگان را مسخره کرده و به تحریک جمعیت مشغول بودند. چند نفری نیز از پشت بوته‌ها و درختان و از پشت پنجره‌های لانه جاسوسی سرگرم فیلمبرداری و عکس گرفتن بودند. پس از دقایقی یکی از کارمندان از آن‌سوی حصار به نزدیکی ما آمده، سوار یک ماشین نسبتاً بزرگ چمن‌زدنی شده و مشغول به "کار"، ایجاد سروصدا و تحریک شد. چند شعار تازه در پاسخ به این تحریکات به کار گرفته شد: - مزدور برو گمشو! - مزدور بیا بیرون، وگرنه ما می‌آیم تو!

تعداد معترضین بیشتر شده بود و دیگر شاید حدود ۴۰۰ نفر می‌شدیم. پلیس‌های حاضر توانایی کنترل معترضین را که از رژیم در خشم بودند و با تحریکات مزدوران لانه جاسوسی به التهاب آمده بودند نداشتند. حصار بیرونی حیاط لانه جاسوسی نسبت به تعداد پلیس‌ها طولانی بود و پس از دقایقی بخشی از حصار فرو ریخت و بخشی از معترضین (شاید حدود ۳۰ نفر) توانستند خود را به حیاط لانه جاسوسی برسانند. چند تن از مزدوران با چوب و چماق و چاقو و اسلحه کمربندی به سوی معترضین حمله کردند و یکی از مزدوران به دیگران فرمان داد که "بزنیدشون" و "با تیر بزنید". جالب اینجا بود که یکی از اسلحه به دستان همان مزدوری بود که در نقش چمن‌زن به کنترل معترضین مشغول بود. به خانمی ۶۰ ساله حمله کرده، او را به زمین انداخته و مورد ضرب قرار دادند. یکی از معترضین را با چاقو زدند و با چماق و چوب چند نفر دیگر را مصدوم کردند. برخی از معترضین به کمک آنها که مورد حمله قرار گرفته بودند شتافته و با مشت و لگد و سنگ و چوب به مزدوران حمله کردند. شیشه‌های ساختمان لانه جاسوسی و چند ماشین که در حیاط پارک شده بود نیز هدف سنگها قرار گرفتند. دست‌کم یکی از پلیسها هم برای آرام کردن اوضاع اسلحه خود را بیرون کشیده و به آنان که در حیاط لانه جاسوسی بودند اخطار کرد. پس از چند دقیقه ماموران پلیس توانستند بر اوضاع مسلط شوند. معترضینی که خود را به حیاط رسانده بودند از آنجا بیرون آمده و در کنار دیگران قرار گرفتند. پس از گذشت چند دقیقه دیگر

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

ipfq@hotmail.com

آدرس پست الکترونیک:

پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیزم!

